

# کار و جامعه

## روندهای اشتغال جهانی زنان

در سال ۲۰۰۴

مترجم: مسن محمد صادقیان

فوق لیسانس جامعه شناسی

### ۱- مرور کلی

یکی از چشمگیرترین پدیده های اخیر، افزایش نسبت زنان در نیروی کار، توانایی زنان در بسیاری از مناطق جهت استفاده از پتانسیلشان در بازار کار و رسیدن آنها به استقلال اقتصادی بوده است. در بخش دوم به روندهای مشارکت نیروی کار زنان اشاره می کنیم. اما آیا واقعیت دارد که زنان بطور فزاینده ای به بازار کار وارد می شوند و واقعاً صحت دارد که شکاف بین زنان و مردان در حال پر شدن است؟ و آیا این درست است که زنانی که در پی کارند در پیدا کردن آن موفق هستند؟ اگر آنها کار پیدا می کنند خصوصیات ویژه کارشان در مقایسه با مردان چیست؟

تحلیلی از شش شاخص دیگر بازار کار (نرخهای بیکاری زنان، نرخهای بیکاری زنان جوان، نسبت اشتغال به جمعیت، وضعیت اشتغال، اشتغال بر حسب بخش و دستمزدها و درآمدها) روشن می سازد که سوالات پرسیده شده را نمی توان با یک بله قطعی پاسخ گفت. امروزه کار زنان بیش از پیش است: در سال ۲۰۰۳ از میان ۲/۸ میلیارد نفر که کار داشتند ۱/۱ میلیارد نفرشان زن بودند. (جدول ۱-۱). سهم زنان دارای کار از کل اشتغال در ده سال اخیر بیش از ۴۰ درصد رشد داشته است. این برابری بهبود یافته بر حسب تعداد کارگران زن و مرد، در نتیجه قدرت و استقلال اقتصادی و

اجتماعی واقعی پیدا کردن زنان، توزیع منصفانه و عادلانه از مسوولیت های همسر، پرداخت پول برابر به کار با ارزش برابر و تعادل جنسیتی برای همه مشاغل حاصل شده است. بطور خلاصه برابری حقیقی در جهان کار هنوز تحقق نیافته است.

### آیا شکاف مشارکت نیروی کار در حال پر شدن است؟

نرخ مشارکت نیروی کار\* (LFPR) بر سهم افراد شاغل و بیکار نسبت به جمعیت در سن کار دلالت می کند. این نرخ، شاخصی را به دست می دهد که چگونه بسیاری از افراد در سن کار، مشارکت فعالی در بازار کار دارند. شکاف بین نرخ مشارکت نیروی کار زنان و مردان در طول ده سال اخیر در همه مناطق دنیا کاهش یافته است. اما صرف نظر از اقتصادهای گذار (که در آنها که ۹۱ زن در برابر هر ۱۰۰ مرد از لحاظ اقتصادی فعال هستند) و آسیای شرقی (با یک نسبت ۸۳ زن در برابر هر ۱۰۰ مرد)، در همه مناطق دیگر، زنان کمتر از مردان از لحاظ اقتصادی فعال هستند (۸۰ زن در برابر ۱۰۰ مرد). در شرق میانه و منطقه آفریقای شمالی و همچنین در آسیای جنوبی به

ازای هر ۱۰۰ مرد در بازار کار تنها حدود ۴۰ زن از لحاظ اقتصادی فعال هستند (جدول ۲-۱).

### آیا زنان در جستجوی کار، کاری پیدا می کنند؟

نرخ بیکاری زنان در سال ۲۰۰۳ اندکی بیشتر از نرخ بیکاری مردان در کل دنیا بوده است (۶/۴ درصد برای زنان، ۶/۱ درصد برای مردان)، ۷۷/۸ میلیون زن راغب به کار و در جستجوی فعال برای کار بدون اشتغال به حرکت درآمدند. این تصویر در برخی مناطق دنیا برجسته تر است. مناطقی که بزرگترین تفاوت را در نرخها نشان داده عبارتست از آمریکای لاتین و کارآییب با یک تفاوت ۳/۴ درصدی و شرق میانه و آفریقای شمالی که در مناطق نرخ بیکاری زنان ۶ درصد بیش از نرخ بیکاری مردان است. نرخهای بیکاری برای زنان در کشورهای منطقه صحرای آفریقا (در یک سطح بالای حدود ۱۰ درصد) و آسیای شرقی (زیر ۵ درصد) کمتر از مردان است. به نظر نمی رسد وضعیت بیکاری زنان به استثنای سه منطقه؛ اقتصادهای صنعتی شده، شرق میانه و آفریقای شمالی و آسیای جنوبی (شکل ۱-۱) در بیشتر از ده سال گذشته اصلاح و بهبود یافته باشد. اکثریت مناطق، تغییر کم یا هیچ تغییری را در نرخهای بیکاری زنان در دوره های ۱۹۹۳

\*- Labour Force Participation Rate

جدول (۱-۱): شاخصهای بازار کار جهانی، ۱۹۹۳ و ۲۰۰۳

	زن		مرد		کل	
	۱۹۹۳	۲۰۰۳	۱۹۹۳	۲۰۰۳	۱۹۹۳	۲۰۰۳
نیروی کار (میلیون)	۱۰۰۶	۱۲۰۸	۱۵۰۷	۱۷۶۹	۲۵۱۳	۲۹۷۸
اشتغال (میلیون)	۹۴۸	۱۱۳۰	۱۴۲۵	۱۶۶۱	۲۳۷۳	۲۷۹۲
بیکاری (میلیون)	۵۸/۲	۷۷/۸	۸۲/۳	۱۰۸/۱	۱۴۰/۵	۱۸۵/۹
نرخ مشارکت نیروی کار (%)	۵۳/۵	۵۳/۹	۸۰/۵	۷۹/۴	۶۷/۰	۶۶/۶
نسبت اشتغال به جمعیت (%)	۵۰/۴	۵۰/۵	۷۶/۱	۷۴/۵	۶۳/۳	۶۲/۵
نرخ بیکاری (%)	۵/۸	۶/۴	۵/۵	۶/۱	۵/۶	۶/۲

Soure: ILO, Global Employment Trends Model, ۲۰۰۳; see also ILO, Global Employment Trends ۲۰۰۴, Technical note.

در دسترس هستند، بیشتر است. در اقتصادهای با یک سهم بالایی بخش کشاورزی، کار زنان اغلب در این بخش در مقایسه با مردان بیشتر است. همچنین سهم زنان از اشتغال در بخش خدمات بیشتر از مردان است. بعلاوه به احتمال زیاد برای برخی از انواع کارها، زنان دارای درآمد کمتری از مردان هستند، حتی مشاغلی که بطور سنتی ویژه زنان بوده است. نتایج تحلیلهای این سه شاخص (وضعیت اشتغال، اشتغال بر حسب بخش ها، دستمزدها درآمدها) بر این واقعیت تاکید می کند که احتمال زیادی وجود دارد که زنان بیرون از چارچوب های قانون و مقررات با حداقلی از منافع تامین اجتماعی و درجه بالایی از آسیب پذیری نسبت به مردان در بخش اقتصادی غیر رسمی اشتغال پیدا کنند (برای اطلاعات بیشتر از اقتصاد غیر رسمی کادر ۴-۱ را ببینید).

نتیجتاً زنان سهم بالاتری در تعداد فقرای کاری در دنیا دارند. این افراد کسانی هستند که کار میکنند اما زیر خط فقرند زیرا که روزانه بیشتر از یک دلار آمریکا درآمد ندارند و این میزان کفاف زندگی خود و خانواده اشان را نمیدهد. از میان ۵۵۰ میلیون فقراى کاری در دنیا، برآورده شده که ۳۳۰ میلیون نفرشان یعنی حدود ۶۰ درصد<sup>(۱)</sup> آنها زن هستند. افزایش ۳۳۰ میلیون فقیرکاری زن به ۷۷/۸ میلیون زن که بیکار شده اند به این معناست که دست کم

دو نفر از بین هر ۱۰ زن در جستجوی کار، کار میکنند تکان دهنده است (مقایسه شود با ۷ مرد از بین هر ۱۰ مرد). این وضعیت تنها در آسیای جنوبی بطور آشکاری بهتر است.

### ویژگیهای کار زنان چیست؟

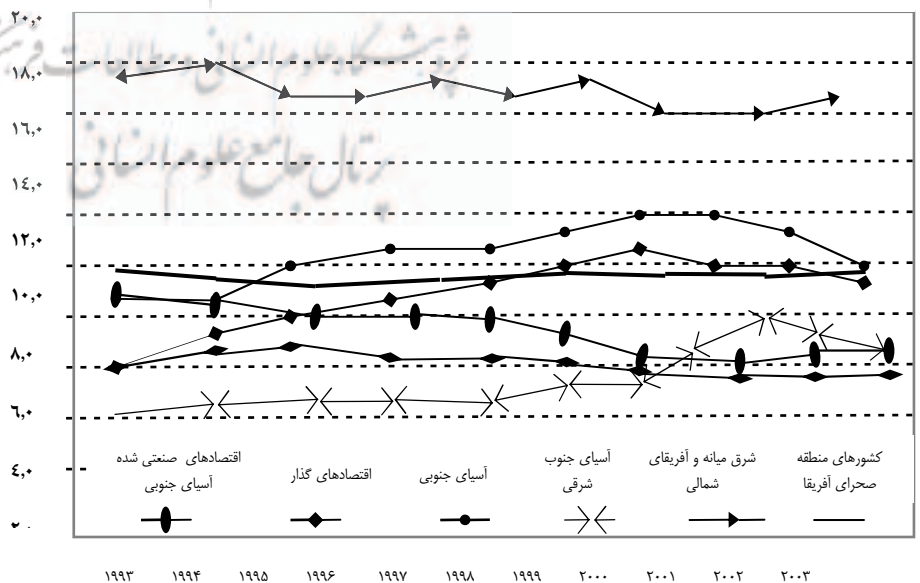
زنان احتمال کمتری دارد که نسبت به مردان در تنظیم اشتغال دستمزدی و حقوق بگیری نقش داشته باشند. همچنین سهم زنان از کارگران موثر خانوادگی از نرخ مردان در تقریباً همه اقتصادهایی که اطلاعات و داده ها

تا ۲۰۰۳ به خود ندیده اند. در آسیای جنوب شرقی، نرخ بیکاری زنان بیش از ۲ درصد افزایش یافته است (از ۴/۷ درصد به ۶/۹ درصد).

مشکل پیدا کردن کار حتی برای زنان جوان (در سن بین ۱۵ تا ۲۴ سال) قویتر است. بطور کلی ۳۵/۸ میلیون زن جوان بطور غیر ارادی بیکار هستند. در همه مناطق، نرخهای بیکاری جوانان برای هر دو جنس بیشتر از نرخهای بیکاری میانسالان هست. همچنین در همه مناطق به استثنای آسیای شرقی و کشورهای منطقه صحرای آفریقا، نرخ بیکاری منطقه ای زنان از نرخ مردان بیشتر است.

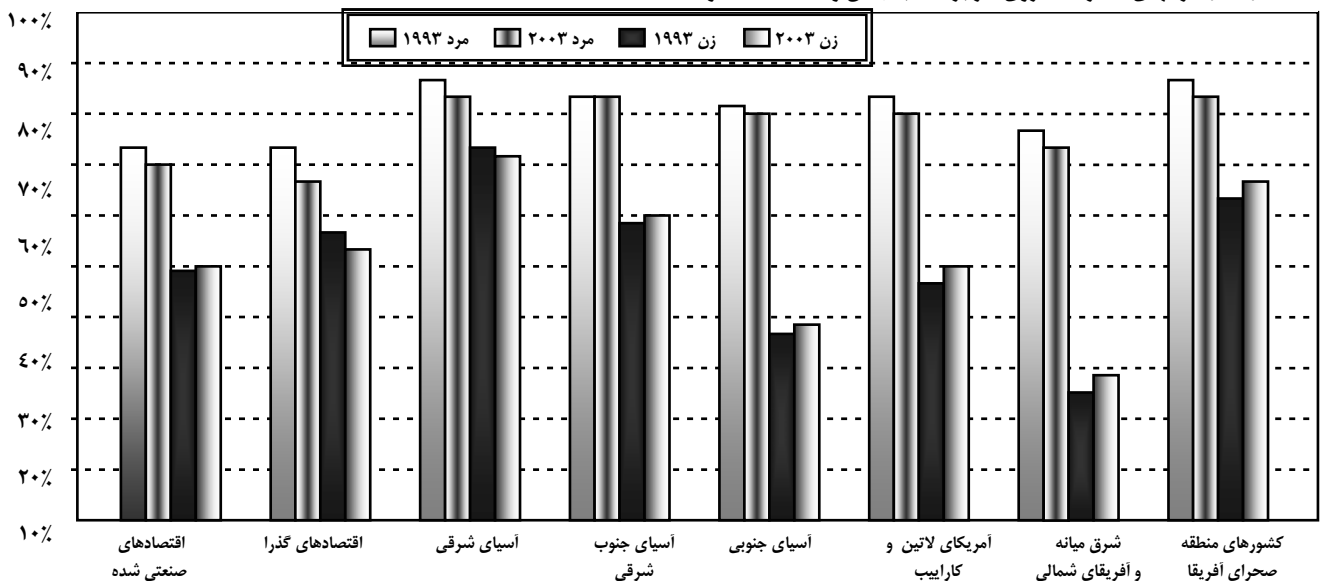
نسبتهای اشتغال به جمعیت، ظرفیت یک اقتصاد را جهت فراهم آوردن اشتغال برای جمعیت در سن کار (عموماً ۱۵ سال و بیشتر) منعکس می کند. همچنین می تواند به عنوان شاخصی تفسیر شود که در آن چگونه اقتصادهای کارآمد از پتانسیلهای تولیدی جمعیت در سن کارشان استفاده می کنند. در همه مناطق دنیا، نسبتهای اشتغال به جمعیت برای زنان در مقایسه با مردان کمتر است. این تفاوت در شرق میانه و آفریقای شمالی که تنها

شکل (۱-۱): نرخهای بیکاری زنان به تفکیک مناطق، ۱۹۹۳ تا ۲۰۰۳



Source: ILO, Global Employment Trends Model, ۲۰۰۳; see also ILO, Global Employment Trends ۲۰۰۴, Technical note

شکل (۱-۲): نرخهای مشارکت نیروی کار بر حسب جنس و منطقه، ۱۹۹۳ و ۲۰۰۳



Source: ILO, Global Employment Trends Model, ۲۰۰۳; see also ILO, Global Employment Trends ۲۰۰۴, Technical note.

بود. این وضعیت به احتمال زیاد نتیجه نقش سنتی بود که زنان در بسیاری از اقتصادهای این مناطق ایفا کرده اند. بر عکس، آسیای شرقی بالاترین نرخ مشارکت نیروی کار زنان را داشت و در همان زمان شکاف جنسی کمی بین LFPR زنان و مردان وجود داشت (به ازای هر ۱۰۰ مرد ۸۳ زن در بازار کار) (جدول ۱-۲ و شکل ۱-۲).

مشارکت زنان در نیروی کار و ارتباط آن با باروری در کادر ۱-۲ بحث شده است. این مهم را به خاطر داشته باشیم که افزایش یا سطح بالای نرخ مشارکت نیروی کار همیشه معنای مثبت ندارد. LFPR فی نفسه هیچ چیزی را در باره: ۱- بکار گماشته های موجود (بخش سوم نرخهای بیکاری و نسبتهای اشتغال بر جمعیت را ببیند) و ۲- ویژگیهای کار (بخش چهارم وضعیتهای اشتغال، اشتغال به تفکیک بخش و دستمزدها/ درآمدها را ببینید) نشان نمی دهد.

### مشارکت نیروی کار و باروری

تجربه اقتصادهای صنعتی شده حاکی از آنست که اشتغال فرآیندهای زنان با کاهش مستمر در نرخهای باروری تغییر می یابد. این مطلب از طریق داده های جدول زیر تصدیق شده است. این جدول نشان می دهد که باروری در همه مناطق دنیا بین سالهای ۱۹۹۵ و ۲۰۰۰ کاهش

بویژه در دهه ۱۹۸۰ و با وسعت کمتر تا امروز بوده است. هیچگاه قبلاً اینطور بسیاری از زنان از لحاظ اقتصادی فعال نبوده اند؛ زنان فعال از لحاظ اقتصادی (جمع زنان بیکار شده بعلاوه زنان شاغل) ۱/۲ میلیارد در سال ۲۰۰۳ بوده اند که بالاتر از ۱ میلیارد زن در سال ۱۹۹۳ بوده است (جدول ۱-۱). بعلاوه نرخ مشارکت نیروی کار\* برای مردان در بیشتر مناطق دنیا کاهش یافته است. نتیجه اینکه شکاف بین جنسها بر حسب نرخهای مشارکت نیروی کار بطور ملاحظه ای کاهش یافته است. هنوز در هیچ منطقه ای از دنیا، شکاف جنسی نزدیک به پر شدن نیست. در سال ۲۰۰۳ در کل دنیا به ازای هر ۱۰۰ مرد تنها ۶۳ زن در بازار کار وجود داشت. شکاف هر شرق میانه و آفریقای شمالی (که در این مناطق به ازای هر ۱۰۰ مرد ۳۶ زن فعال از لحاظ اقتصادی وجود داشت) و در آسیای جنوبی (که در آنجا به ازای هر ۱۰۰ مرد ۴۶ زن فعال بود) بزرگتر هست. در همان زمان این دو منطقه پایین ترین نرخ مشارکت نیروی کار را برای زنان نشان می داد: نرخ مشارکت نیروی کار زنان در شرق میانه و آفریقای شمالی ۲۸/۲ درصد و در آسیای جنوبی ۷/۴ درصد

\*-LFPR

به ۴۰۰ میلیون مشاغل شایسته برای برآوردن تقاضای زنان جهت کار شایسته نیاز بوده است. به جرات می توان گفت که حتی این یک برآورد محافظه کارانه و احتیاط آمیز است و اگر شخصی بود که موضوع زنان را که بطور غیر ارادی بیرون از بازار کار هستند نشان می داد در آن صورت کمبود فرصتهای کار شایسته برای زنان حتماً بیشتر بود. ایجاد کار شایسته کافی برای زنان هنگامی میسر است که سیاستهای بازار نه تنها در مرکز سیاستهای اقتصادی و اجتماعی قرار گیرد بلکه همچنین شناخت مسایل زنان در دنیای کار نسبت به شناخت مسایل مردان در الویت قرار گیرد. پیشرفت از طریق خلق و ایجاد فرصتهای شغلی، زنان را از جرگه فقرای کاری خارج کرده و به آنها در تامین کار تولیدی و سودمند در شرایط آزادی، امنیت و متناسب با شأن و منزلت انسان کمک می نماید و از این رهگذر این شانس را به زنان می دهد که با کار، خودشان را از جرگه فقرا خارج کنند. هدف توسعه دوره هزاره (MDG) که نصف کردن فقر تا سال ۲۰۱۵ است در بیشتر مناطق دنیا امکان پذیر نخواهد بود.

### ۲- روندهای مشارکت نیروی کار زنان

رشد نسبت و سهم زنان در بازار کار یکی از برجسته ترین روندهای بازار کار دوران اخیر

جدول (۲-۱): نرخهای مشارکت نیروی کار مردان و زنان (%) و شکاف جنسی در زنان فعال از لحاظ اقتصادی به ازای هر ۱۰۰ مرد، ۲۰۰۳

شکاف جنسی در زنان فعال از لحاظ اقتصادی به ازای هر ۱۰۰ مرد	LFPR زنان (%)	LFPR مردان (%)	
۶۸	۵۳/۹	۷۹/۴	دنیا
۳۶	۲۸/۲	۷۶/۸	شرق میانه و آفریقای شمالی
۴۴	۳۷/۴	۸۱/۱	آسیای جنوبی
۶۴	۴۹/۲	۸۰/۵	آمریکای لاتین و کارائیب
۷۶	۵۰/۵	۷۰/۳	اقتصادهای صنعتی شده
۹۱	۵۳/۱	۶۵/۷	اقتصادهای گذرا
۷۵	۶۰/۵	۸۲/۹	آسیای جنوب شرقی
۷۷	۶۳/۲	۸۵/۳	کشورهای منطقه صحرای آفریقا
۸۳	۷۳/۱	۸۵/۱	آسیای شرقی

Source: ILO, Global Employment Trend Model, ۲۰۰۳; see ILO, Global Employment Trends ۲۰۰۴ Technical note.

شرقی و کشورهای منطقه صحرای آفریقا، نرخ بیکاری منطقه ای مردان از زنان بیشتر است (این نرخها در اقتصادهای گذرا برابر هستند) (شکل ۳-۱).

مناطق که تفاوت‌های بزرگتر و بیشتری را در نرخها نشان داده آمریکای لاتین و کارائیب بودند که در آنجا نرخ بیکاری زنان در مقایسه با نرخ بیکاری مردان که ۶/۷ درصد بود، ۱۰/۱ درصد بوده و شرق میانه و آفریقای شمالی که در آنجا نرخ بیکاری زنان ۱۶/۵ درصد یعنی ۶ درصد بیشتر از نرخ ۱۰/۶ درصدی مردان بوده است. شکاف نرخ بیکاری زنان به مردان حتی در کشورهای حوزه کارائیب (زنان ۱۴/۵ درصد، مردان ۷/۳ درصد) و آفریقای شمالی (زنان ۱۶/۲ درصد، مردان ۸/۴ درصد) بیشتر بوده است.

مشکل کار پیدا کردن برای زنان جوان (سنین ۱۵ تا ۲۴ سال) حادتر است. زنان و جوانان می توانند معرف یک منبع دوگانه تبعیض باشند. زنان جوان به نظر می رسد که مشکل بزرگتری را در داخل بازار کار و حفظ مشاغلشان در دوره های کساد اقتصادی دارند. نرخهای بیکاری جوانان در هر دو جنس نسبت به نرخهای بیکاری میانسالان در همه مناطق دنیا بیشتر بوده است (شکل ۳-۲). علاوه

نبوده اند. برای مثال در سال ۲۰۰۰ در آسیای جنوبی و شرق میانه و آفریقای شمالی نرخهای باروری در حد نسبتا بالایی به ترتیب در حدود ۴/۲ و ۳/۶ باقی ماند در صورتی که مشارکت نیروی کار زنان در میان مناطق برآورد شده، پایین ترین حد در دنیا است. بر عکس در کشورهای منطقه صحرای آفریقا، مشارکت نیروی کار زنان همسو با بالاترین نرخهای باروری در دنیا خیلی بالا بود (۶۳ درصد). در این منطقه که هیچ شبکه تامین اجتماعی موجود نبوده و درآمدهای خانواده پایین است زنان به رغم فشار خانوادگی سنگین نمی توانند کاری را فراهم کنند.

### ۳- روندها در بیکاری زنان و نسبت های اشتغال به جمعیت

#### بیکاری زنان و بیکاری زنان جوان

بیشتر زنان به عنوان بخشی از نیروی کار در جستجوی کار هستند اما نسبت به مردان تقریباً در همه مناطق دنیا قادر نیستند که کار پیدا کنند. نتیجتاً نرخ بیکاری جهانی زنان در سال ۲۰۰۳، ما در مقایسه با مردان که ۶/۱ درصد است، ۶/۴ درصد می باشد. تنها در آسیای

یافته و در بیشتر موارد با افزایش در احتمال کار زنان همراه بوده است.

نرخهای بالای باروری می تواند نشان دهد که بازارهای کار به قدر کافی برای زنان جهت جایگزینی با نقش سنتی شان به عنوان مادر خانه دار و مراقبت کننده، جاذب نیستند. تحقیق نشان داده که زنان جذابیت بیشتری را جهت کار کردن در مقابل افزایش تعداد بچه ها بدست می آورند وقتی که دست کم یکی از شرایط زیر بکار بسته شود:

■ اشتغال زنان ارادی یا منجر به تقویت موقعیت شود. بدین معنی که زنان روی درآمد و منابعشان کنترل داشته و در تصمیم سازی خانواده از جمله تصمیمات باروری بیشتر نقش داشته باشند.

■ به همان گونه که زنان پیدا کردن مشاغل دارای حقوق مکفی را قادر شوند هزینه های فرصت برای ماندن در خانه و بچه آوری افزایش می یابد.

■ درآمد و رضایتی که زنان از مشارکت در فعالیت های اقتصادی کسب می کنند ضرورتاً بیشتر باشد از درآمدها و رضایتمندیهای داشتن بچه های اضافی.

■ زنان کمتر به بچه به عنوان شکلی از امنیت برای سن پیری یا در برابر شرایط اقتصادی مخرب وابسته باشند.

■ نقش اقتصادی زنان و کمک به خانواده دلالت کند بر کاهش تبعیض جنسی بچه ها و تغییر نگرشها به سوی ارزش دادن به دخترها.

■ افزایش مشارکت زنان در نیروی کار با افزایش سرمایه گذاری در آموزش دختران به هم پیوسته است.

■ زنان جهت کار و تدارک شغل ها و حرفه های قبل از ازدواج به یک افزایش سن برای اولین ازدواج و حاملگی سوق داده می شوند.

در برخی از اقتصادهای در حال توسعه، نرخهای باروری کاهش یافته اما هنوز نرخ باز تولید در یک سطح بالایی باقی مانده است که نشان می دهد شرایط ذکر شده در بالا کافی

نرخهای باروری و نرخهای مشارکت نیروی کار زنان، ۱۹۹۵ و ۲۰۰۰

	LFPR زنان (%)		تغییر	نرخ باروری کلی (متولدین هر زن)		تغییر
	۱۹۹۵	۲۰۰۰		۱۹۹۵	۲۰۰۰	
هیچ	۵۰/۰	۵۰/۷	+	۱/۷	۱/۷	
اقتصادهای صنعتی شده	۵۲/۶	۵۲/۳	-	۱/۹	۱/۶	---
اقتصادهای گذار	۷۳/۸	۷۳/۵	-	۱/۹	۱/۷	---
آسیای شرقی	۵۹/۱	۶۰/۱	+	۳/۶	۳/۲	---
آسیای جنوب شرقی	۳۶/۹	۳۸/۰	+	۴/۶	۴/۲	---
آسیای جنوبی	۴۶/۵	۴۹/۰	+	۲/۹	۲/۷	---
آمریکای لاتین و کارائیب	۲۶/۰	۲۷/۹	+	۴/۱	۳/۶	---
شرق میانه و آفریقای شمالی	۶۱/۹	۶۳/۰	+	۵/۵	۵/۱	---
کشورهای منطقه صحرای آفریقا						

منبع: مقاله متن «مشارکت نیروی کار زنان» تهیه شده بوسیله لین لان یم، کارشناس نشستهای گروهی تکمیلی گذار باروری در مارس ۲۰۰۲.

همه مقالات در وب سایت در دسترس هستند.

[http://www.un.org/esa/population/publications/completing\\_fertility/completing\\_fertility.htm](http://www.un.org/esa/population/publications/completing_fertility/completing_fertility.htm).

نرخهای مشارکت نیروی کار از ILO و روندهای اشتغال جهانی ۲۰۰۳ و نرخهای باروری از یونسکو است

که در وب سایت زیر در دسترس هستند:

<http://qesdb.cdie.org/ged/index.html>.

جمعیتشان نشان می دهد- به این معنا که نسبت بالاتر اشتغال به جمعیت، حاکی از اشتغال بیشتر جمعیت در سن کار می باشد. این شاخص در همه مناطق دنیا برای مردان بیشتر است. همچنین در طول ده سال گذشته این نسبتها در همه مناطق برای زنان افزایش یافته است ولی شکاف پابرجاست.

بزرگترین شکاف در شرق میانه و آفریقای شمالی و آسیای جنوبی وجود دارد که گاه و بیگاه امکان دارد فقدان منافع اجتماعی در اشتغال زنان را منعکس سازد. در شرق میانه و آفریقای شمالی مشاغل مردان در مقایسه با جمعیت شان، نسبت به زنان ۳ برابر بیشتر و در آسیای جنوبی این سهم برای مردان نسبت به زنان دو برابر بیشتر است. کوچکترین شکاف در اقتصادهای گذار (که در آنجا زنان بطور سنتی بخش مساوی را در بازار کار بدست گرفته اند) و در آسیای شرقی مشاهده شده است.

آمریکای لاتین و منطقه کارائیب بزرگترین رشد و پیشرفت را برای پر کردن شکاف بین نسبتهای اشتغال به جمعیت مردان و زنان داشته اند. این شکاف در سال ۲۰۰۳ نسبت به سال ۱۹۹۳ بیشتر از ۶ درصد کمتر شده است. در همه مناطق آسیایی این شکاف ها تقریباً به همان وسعت سال ۱۹۹۳ باقی مانده است.

یکی از بحث های قوی اینست که همه زنان در سن کار نمی توانند کارکنند منتها بر اساس بیکاری موجود این موضوع واقعیت دارد که زنانی هستند که می خواهند کار کنند اما قادر به پیدا کردن کار نیستند. و چون بیکاری کلاً برای زنان بیشتر از مردان بوده روشن است که نیاز هست فرصتهای شغلی بیشتری برای زنان ایجاد شده تا میل و رغبتشان به کار برآورده شود. بعلاوه برخی از شکافهای اشتغال که در اقتصادهای صنعتی شده باقی ماندن میتواند به این واقعیت وابسته باشد که برخی از زنان بدلیل برخورداری از بضاعت و قدرت مالی، آزادانه، مانده در خانه را انتخاب کرده اند. اما در سایر مناطق دنیا احتمال بیشتری هست که زنان اگر فرصتی برایشان برای انجام دادن کاری پیدا

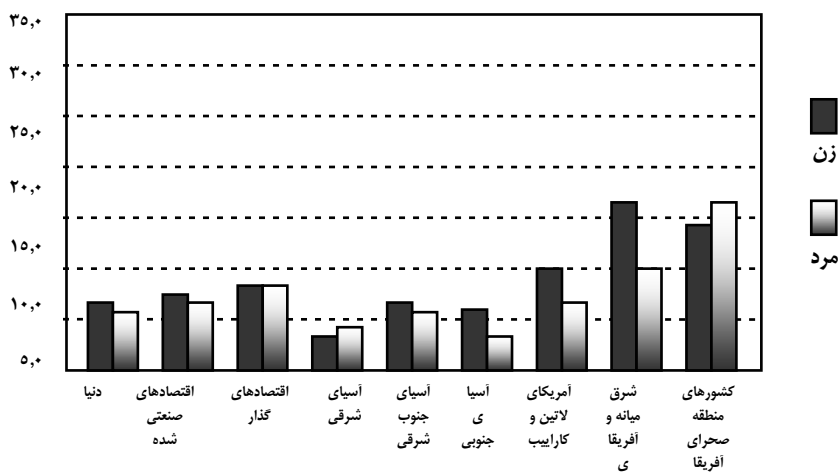
استثنا قایل می شوند. اینها به اصطلاح «کارگران سرخورده» هستند. اکثریتی که عموماً زنان را شامل می شود. اگر چه داده ها و اصطلاحات کارگران سرخورده به سختی عرضه می شود اما مروری از داده های در دسترس اقتصادهای صنعتی شده آشکار می سازد که زنان بطور تقریبی دو سوم کل کارگران سرخورده را در استرالیا، اتریش، بلژیک، آلمان، یونان، هلند، نروژ و پرتغال تشکیل می دهند. سهم زنان از کل کارگران سرخورده در ایتالیا و سوئد نزدیک به ۹۰ درصد بوده است. در تفسیر روند کاهش بیکاری زنان ضروریست که احتیاط شود چرا که این روند یک وضعیتی را نشان می دهد که در آن زنان در حال تطبیق خودشان با شرایط اقتصادی رو به افول بوسیله گزینش خروج از بازار کار یا پذیرش کوتاهتر ساعت کار نسبت به نپذیرفتن یکسره ساعات کار هستند.

### روندها در نسبت های اشتغال به جمعیت

نسبتهای اشتغال به جمعیت ظرفیت اقتصادها را جهت خلق فرصتهای شغلی برای

بر این در همه مناطق به استثنا آسیای شرقی و کشورهای منطقه صحرای آفریقا، نرخ بیکاری منطقه ای زنان از مردان بیشتر بوده است. همچنین همسو با روند نرخ بیکاری کلی، مناطق آمریکای لاتین و کارائیب و شرق میانه و آفریقای شمالی بزرگترین تفاوت را بین نرخهای بیکاری زنان و مردان جوان نشان می دهد. توجه به این نکته مهم است که اطلاعات بیکاری فی نفسه تقریباً شاخص محدود- کننده ای برای بیان نارسایی و نا کافی بودن وضعیت بازار کار است و نباید بطور مجزا از سایر شاخصها از قبیل نسبتهای اشتغال به جمعیت، اشتغال به تفکیک وضعیت و داده های بخشی، همچنین شاخص های دستمزد و درآمد مورد استفاده قرار گیرد. بسیاری از تعاریف ملی بیکاری، اشخاصی را که می توانند کار کنند اما بطور فعالی در جستجوی کار نیستند یا آنها را که احساس می کنند هیچ کاری در دسترس آنها نیست یا از قبیل اشخاصی که تحرک کاری ناپذیری دارند یا افرادی که با تبعیض یا موانع ساختاری، اجتماعی یا فرهنگی مواجه هستند،

شکل (۳-۱): نرخهای بیکاری جهانی و منطقه ای بر حسب جنس، ۲۰۰۳ - نرخ بیکاری (%)



حال توسعه، داده هایی را از وضعیت اشتغال هر دو جنس ندارند. آن جا که این داده ها وجود دارد این اطلاعات نشان می دهد که در فقیرترین مناطق دنیا، سهم زنان از کمک به کارگران خانگی در کل اشتغال خیلی بیشتر از مردان و نیز زنانی که احتمالاً کمتر حقوق و دستمزد دارند، می باشد. جدول ۴-۱ چند مثال را نشان می دهد.

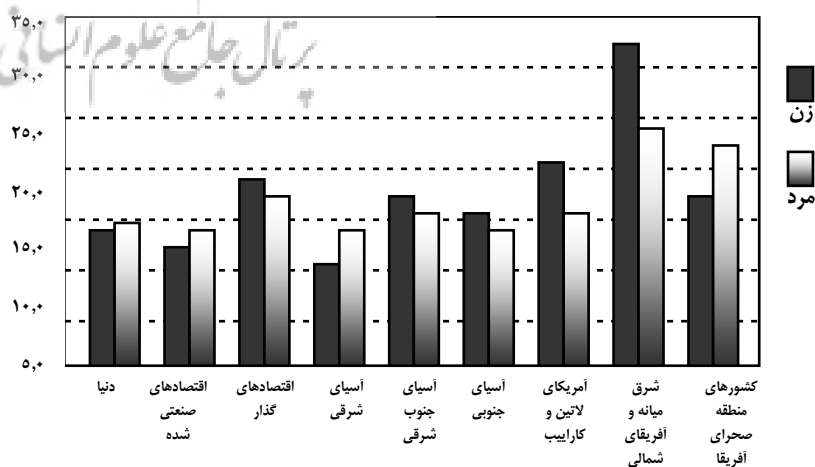
انتظار می رود این روند در بیشتر بخشهای کشور های در حال توسعه استمرار یابد. بویژه در دورههای بحران و کساد اقتصادی، زنان اولین گروهی هستند که از کار همراه با حقوق و دستمزد خود صرف نظر می کنند. آنها ممکن است در چنین مواقعی بطور اجباری برای توجیه خود یا به عنوان کارگران خانگی بدون دستمزد، وارد اقتصاد غیر رسمی شوند.

### کار در اقتصاد غیر رسمی

بخش غیر رسمی معرف یک بخش مهم از اقتصاد و بطور مشخصی بازار کار در بسیاری از اقتصادها بویژه اقتصادهای در حال توسعه است و نقش مهمی در ایجاد اشتغال، تولید و درآمد ایفا می کند.<sup>(۳)</sup> در اقتصادهای با نرخهای بالای رشد جمعیت یا شهر نشینی، اقتصاد غیر رسمی به جذب گسترده تر نیروی کار در نواحی شهری متمایل است. اشتغال اقتصاد غیر رسمی در اقتصادهایی که فاقد یک شبکه تامین اجتماعی است یک راهبرد بقای ضروری است.

مسوولیتهای خانواده هنوز هم خیلی زیاد به زنان واگذار می شود. هنگامی که آنها فعالیتهای بزرگ کردن بچه و کار کردن را توأمان بر عهده دارند نیاز دارند که راه حلی را برای تعادل سازی بین این دو نقش پیدا کنند. ناسازگاری نقش احتمالاً مشکلات بزرگتری را برای زنان در اشتغال مزدبگیری و مشکلات کمتری را برای آنها در خود اشتغالی و بازم مشکلات کمتری را برای کمک به زنانی که در کارخانگی درگیرند ولی هیچ گونه پرداختی برای آنها صورت نمی گیرد، (اما هنوز بر طبق تعریف استاندارد اشتغال، شاغل محسوب می شوند) را در بردهارد. متأسفانه بسیاری از اقتصادهای در

شکل (۳-۲): نرخهای بیکاری جهانی و منطقه ای جوانان بر حسب جنس، ۲۰۰۳ - نرخ بیکاری (%)



Source: ILO, Global Employment Trends Model, 2003; see also ILO, Global Employment Trends 2004, Technical note.

شود کار کنند. البته برای ورود بیشتر زنان به بازار کار، به عنوان اولین مرحله، نیاز هست که دسترسی برابر به آموزش و فرصتهای برابر در بهبود و افزایش مهارتهای ضروری جهت رقابت در بازار کار برای آنها فراهم گردد.

### ۴- روندها در اشتغال بر حسب بخش و وضعیت، دستمزد/درآمد و فقر کاری

هیچ توافقی بر روی شاخص واحدی برای ارزیابی شرایط اشتغال وجود ندارد. ولی بهر حال برخی بینش ها و روشنگریها می تواند از طریق سه شاخص حاصل آید: وضعیت اشتغال، اشتغال به تفکیک بخش و دستمزدها و درآمد. ارزیابی اولیه از این شاخص ها آشکار می سازد که رشد و پیشرفت در مشارکت نیروی کار زنان ضرورتاً با پیشرفت در ایجاد فرصتهای کار شایسته برای آنها همراه نبوده است. البته شاخص های دیگری هم وجود دارد که باید به حساب بیایند- بطور مثال ساعات کار و وجود نیروی کار زنان در اقتصاد غیر رسمی با درجه نامنی زیاد (کادر ۴-۱ را ببینید). با این وجود مشکلاتی در استاندارد سازی تعاریف، روش شناسی جمع آوری و دسترسی به داده ها هست که این موضوعات قابل ملاحظه نیستند.

### شاخص ۱: اشتغال بر اساس وضعیت زنان

جدول (۴-۱): اشتغال بر اساس وضعیت زنان، اقتصادهای منتخب، آخرین سال در دسترس

اقتصاد و آخرین سال به اطلاعات	کارگران مزد و حقوق بگیر (مستخدمین)		کمک به کارگران خانگی		کارگران خود اشتغال	
	زن	مرد	زن	مرد	زن	مرد
بنگلادش ۲۰۰۰	۸/۳	۱۵/۲	۷۳/۲	۱۰/۱	۴۹/۸	۱۱/۰
پاکستان ۲۰۰۰	۳۳/۱	۳۶/۰	۵۰/۱	۱۶/۷	۱۶/۸	۴۷/۳
کامبوج ۲۰۰۱	۱۳/۶	۱۹/۱	۵۳/۳	۳۱/۶	۳۳/۰	۴۰/۹
تایلند ۲۰۰۰	۳۸/۸	۴۰/۲	۳۹/۸	۱۶/۴	۲۱/۴	۴۳/۳
زیمبابوه ۱۹۹۹	۲۲/۰	۵۰/۸	*	*	۵۸/۰	۲۹/۲
ساحل غربی و نوارغزه (فلسطین) ۲۰۰۱	۶۳/۹	۶۱/۹	۲۷/۳	۶/۰	۸/۸	۳۲/۲
یمن ۱۹۹۹	۱۳/۸	۵۰/۷	۰/۳	۰/۳	۶۳/۴	۴۹/۰
مصر ۲۰۰۰	۵۷/۲	۶۰/۶	۲۶/۰	۸/۲	۱۶/۸	۳۱/۱

\* داده ها در دسترس نیست.

Soure: ILO, Key Indicators of the Labour Market, ۳rd Editon (Geneva, ۲۰۰۳, table ۳.

اگرچه تحقیق ملی یک تعریف مورد توافق جهانی از اقتصاد غیر رسمی هنوز نامشخص است یک توافق عمومی وجود دارد که بر اساس آن کار در اقتصاد غیررسمی بیرون از چارچوبهای قانون و مقررات معنی می شود و بنابراین بطور طبیعی با یک درجه بالایی از آسیب پذیری مشخص می شود.

کارگران اقتصاد غیر رسمی به ندرت برای نمایندگی موثر سازماندهی می شوند و هیچ گونه خشوتی در محل کار یا در عرصه های اجتماعی سیاسی ندارند و یا اینکه اینگونه خشونت را خیلی کم دارند. اشتغال غیررسمی به علت ساعات کار خیلی طولانی و پر استرس در ارتباط با انجام کار

در کوتاهترین فرصت و زمان اتمام قرار داد، بطور طبیعی بی ثبات و نا امن است و این نا امنی با انتظار برای بهبود امور در دوره های رکود استمرار می یابد.

بیشترین اشتغال اقتصاد غیر رسمی، خود اشتغالی است. رابطه ای وجود دارد- اگرچه همبستگی کافی نیست- بین کار در اقتصاد غیر رسمی و وجود فقر این مسله ناشی می شود

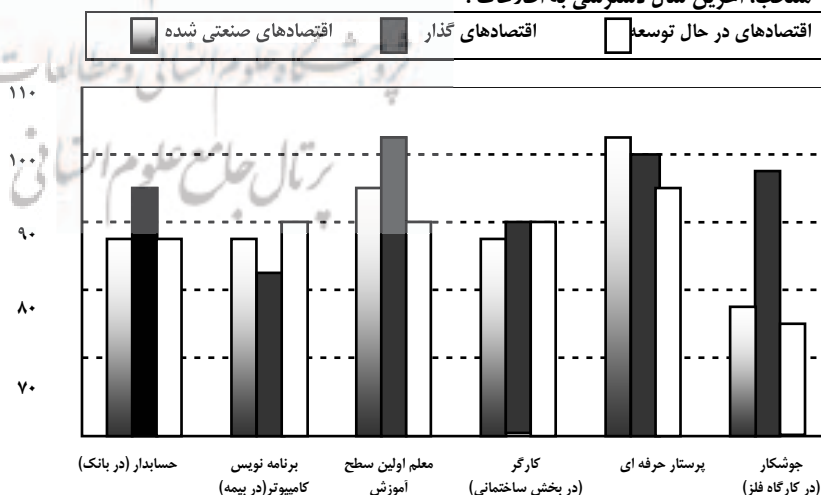
از فقدان قانونگذاری کار و پوشش تمامی اجتماعی کارگران در اقتصاد غیر رسمی و از این واقعیت که کارگران اقتصاد غیر رسمی، بطور متوسط کمتر از کارگران در اقتصاد رسمی مزد و پاداش و ... دریافت می کنند. آمار اشتغال در اقتصاد غیر رسمی برای فراهم سازی یک تصویر شفاف و روشن از سهم همه کارگران بویژه زنان در اقتصاد ضروریست به علاوه

اقتصاد غیر رسمی به عنوان یک موقعیت جایگزین محتمل برای زنان در نظر گرفته شده است کسانی که از اشتغال کار مزدی کنار گذاشته شده اند. اقتصاد غیررسمی اغلب تنها منبع درآمد برای زنان جهان در حال توسعه است بویژه در نواحی که بار هنجارهای فرهنگی آنها، کار بیرون از خانه را محدود کرده یا بواسطه تضاد با مسوولیتهای خانه داری آنها نمی توانند ساعات کاری متعارف و منظم کارمندان را تعهد نمایند. حتی در میان کارگران مزد و حقوق بگیر، احتمالاً زنان خیلی زیادی، اشتغال موقت و ناپهنجاری را دارا هستند. در حالیکه مردان به احتمال زیادتر در موقعیتهای اصلی و مرکزی یا با حقوق خوب و ثابت بکار گمارده می شوند زنان بطور فزاینده ای در مشاغل فرعی، نا امن و کمتر ارزشمند از قبیل خانه داری، کار بی ثبات یا موقتی بکار گمارده می شوند. این مشاغل بطور طبیعی بوسیله حقوق خیلی پایین، درآمد نا منظم، امنیت شغلی و درآمدی کم یا صفر و فقدان مصونیت اجتماعی مشخص شده اند. (کادر ۴-۲ را ببینید).

### آیا کار خانگی به عنوان راه حلی برای ناسازگاری نقش می ایستد؟

اگرچه آمارهای رسمی در مورد کار خانگی نادر هستند شواهدی هست که کار خانگی بطور

شکل (۴-۲): متوسط درآمد/ دستمزد زنان به عنوان درصدی از درآمد / دستمزد مردان در کشورهای منتخب، آخرین سال دسترسی به اطلاعات .



توجه: متوسط در این نمودار دلالت می کند بر متوسط پایداری از کشورهای با داده های در دسترس، از میان حرفه گوناگون، ۱۲ اقتصاد در اقتصادهای صنعتی شده. ۱۷ تا در اقتصادهای در حال توسعه و ۷ تا در اقتصادهای گذر

Source: ILO, key Indicators of the labour Market, ۳rd Edition (Geneva, ۲۰۰۳), tablers ۱۶۸ and ۱۶۹

جدول (۴-۲): تغییر درصد در دستمزدها، درآمدهای واقعی، مردان و زنان، حرفه منتخب

جوشکار (در کارگاه فلز)	پرستار حرفه ای		کارگر (در بخش ساختمانی)		معلم اولین سطح آموزش		برنامه نویس کامپیوتر (در بیمه)		حسابدار (در بانک)			
	زن	مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن	مرد
*	*	*	*	*	۳	-۷	*	*	۱۶	۱۶	بحرین (۹۸-۱۹۹۳)	
*	*	*	*	*	۳۵	۱۰۰	*	*	*	*	بلاروس (۲۰۰۰-۱۹۹۶)	
*	*	۹	۲۶	۳۷	۱۲	۲۳	۶۰	۴۴	*	*	قبرس (۲۰۰۱-۱۹۹۰)	
-۱	-۱۰	-۶	-۷	۸	-۴	-۷	۶۶	۴۴	۹۶	۶۷	فنلاند (۹۸-۱۹۹۰)	
*	*	-۱۷	-۲۱	*	*	۲۵	-۵۱	-۶۳	۲۰	۲۹	اردن (۹۷-۱۹۹۸)	
۴۹	۴۶	۲۲۹	۷۱	۳۷	۶۰	۲۹	۷۳	۹۴	۴۶	۹۱	جمهوری کره (۲۰۰۱-۱۹۹۸)	
*	*	-۳۲	-۱۹	۲۰	۴	-۱۴	*	*	۲۶	۴	قرقیزستان (۲۰۰۱-۱۹۹۸)	
۲۶	۱	۳۳	۶۰	۱۸	۴۵	۸۲	۱۴۲	۵۶۱	۳۱	۳۹	لیتوانی (۲۰۰۱-۱۹۹۷)	
*	*	*	*	*	*	۳۴	-۲۰	-۱۳	۳۵	۱۵	پرو (۲۰۰۱-۱۹۹۷)	
۲۵	۴۵	۲۹	۲۶	۲۰	۵۳	۵۳	۷۰	۱۰۳	۳۱	۲۸	لهستان (۲۰۰۱-۱۹۹۸)	
-۲۰	-۲۲	۱۷	۲۷	-۲۴	-۶	-۷	۳۸	۷	۷۳	۱۲۶	رومانی (۲۰۰۱-۱۹۹۵)	
۱۹	۲۴	۲۴	۹	۱۶	*	*	۴۳	۲۴	-۲۴	-۳	سنگاپور (۲۰۰۰-۱۹۹۵)	
*	*	۱۲	۱۰	*	*	*	*	*	۱۹	۱۶	انگلستان (۲۰۰۱-۱۹۹۶)	
*	*	۱۰	-۲	*	*	۱۴	۶	۱۵	۱۲	۹	امارات متحده عربی (۲۰۰۰-۱۹۹۰)	

\* داده ها در دسترس نیستند.

Source: ILO, Key Indicators of the Labour Market, 4th Edition (Geneva) tables ۱۶a and ۱۶b

تحقیق آمیزی است که صنعتی شدن با هدف صادرات قویاً متکی بر کار زنان است. بویژه در مناطقی از اقتصادهای در حال توسعه که بر صادرات متکی هستند (EPZs).<sup>(۵)</sup> مناطق متکی بر صادرات، وسیله و ابزار مهمی را برای زنان جهت ورود به اقتصاد رسمی با دستمزد بهتر نسبت به بخش کشاورزی و خدمات خانگی ایجاد کرده است. بنابراین شواهدی وجود دارد که بر اساس آن همچنانکه ماهیت اشتغال در مناطق متکی بر صادرات با ورود تکنولوژیهای برتر تکامل یافته، نیم رخ و نمای جنسی مبادلات نیروی کار نیز تکامل و تحول یافته است.<sup>(۶)</sup> در درون بخش خدمات، زنان هنوز در بخشهایی بویژه در بخش خدمات اجتماعی و خصوصی متمرکزند که بطور سنتی با نقشهای جنسی شان مرتبط بوده چرا که مردان، مشاغل بخشهای با مزد خوبتر را در خدمات مالی و تجاری و دارایی غیر منقول تحت سلطه دارند.

پایین و عدم مصونیت که می تواند با کار خانگی همراه باشد، در حال رشد است. بعلاوه، همچنین این نگرانی وجود دارد که کار خانگی می تواند یک حس انزوایی و صرف نظر از انتخاب حرفه را ایجاد نماید.  
**شاخص ۲: اشتغال زنان بر حسب بخش**  
تحلیلی از داده های بخشی، شاخص دیگری را بدست می دهد که بر اساس آن، کار زنان احتمالاً به ارتقای موقعیت یا توانمند سازی آنها منجر نمی شود. زنان سهم بالاتری در اشتغال بخش کشاورزی در آسیا، کشورهای منطقه صحرای آفریقا، شرق میانه و آفریقای شمالی و برخی کشورها در آمریکای لاتین و کارایی بویژه در اقتصادهای با درآمد خیلی پایین تر دارند.  
در همه مناطق در حال توسعه، سهم زنان در صنعت پایین تر از مردان است. این واقعیت

فزاینده ای در خور همگان هست بویژه برای زنان به واسطه کاربرد در حال رشد و روزافزون قراردادهای فرعی و نظامهای صنعتی خرید کالا از منابع خارج از کشور و گسترش فناوریهای ارتباطات و اطلاعات (ICT). کارگران خانگی در طبقه بندی بین المللی سال ۱۹۹۳ از اوضاع اشتغال، به عنوان کسانی که در یک بنگاه جهت عرضه کالاها یا خدمات با نظم و ترتیب پیشین با آن بنگاه و کسانی که محل کار آنها در درون هیچ بنگاه کسب و کار نیست، تعریف شده.<sup>(۴)</sup> کارگران خانگی ممکن است به عنوان کارکنان مزد و حقوق بگیر یا خود اشتغال طبقه بندی شده باشند.  
اگرچه زنان ممکن است از استقلال جدید بر حسب محل کار و ساعات کار منعطف که اجازه می دهد به آنها که بین نقشهای کار و خانواده بر اساس توافقتشان تعادل برقرار سازند، سود ببرند اما شرایط نگران کننده ای از حقوق



(برای مثال حسابدار در بخش بانکی و یا برنامه نویس کامپیوتر در بخش بیمه). در حالیکه اینگونه نیست. حتی در این مشاغل، متوسط دستمزد زنان هنوز تنها ۸۸ درصد دستمزد مردان است. یکی از استدلالهای مشخص برای تفاوت دستمزد، فقدان قابلیت و توانایی گفتگو و نیز قدرت چانه زنی زنان است.<sup>(۸)</sup>

آیا وضعیت در حال بهبود است؟ در یک کلمه خیر یا دست کم نتایج بر طبق مشاغل، متنوع و مختلف است. در جدول ۴-۲ تغییر درصد بالاتر برای زنان نسبت به مردان در مشاغل مشابه دلالت می کند بر اینکه دستمزدهای زنان نسبت به دستمزدهای مردان سریعتر افزایش یافته و بنابراین به سطح مردان نزدیک شده است.

در اکثریت مواردی که تحلیلهای سری زمانی ممکن بوده، یکسانی دستمزدها اتفاق نیافتاده است. دستمزدهای زنان حسابدار در بخش بانکی در ۵ تا از ۱۲ اقتصادی که اطلاعات آنها در دسترس هست و نیز دستمزدهای زنان برنامه نویس کامپیوتر در بیمه در چهار تا از ده اقتصاد، ۵ از ۱۲ برای معلمان، ۶ از ۱۰ برای کارگران، ۴ از ۱۱ برای پرستاران و ۲ از ۶ برای جوشکاران به دستمزدهای مردان رسیده است. مشاغل مورد اشاره بزرگترین پیشرفت را در وضعیت دستمزد مردان نسبت به زنان به جز معلمان اولین سطح آموزش و جوشکاران داشته است.

شکل (۳-۴) یک نمونه روشن اقتصادی از جابجایی در درآمدهای متفاوت زنان به مردان نشان می دهد. در ایالات متحده در سال ۱۹۹۰، درآمدهای پرستاران زن تقریباً معادل درآمدهای پرستاران مرد بود. اما در سال ۲۰۰۰، پرستاران زن کمتر از ۹۰ درصد هم‌تایان مرد خود، درآمد داشته اند. یک کاهش مشابهی هم در شکاف درآمدی به تفکیک جنس برای حسابداران در بخش بانکی بوجود آمد.

صنعتی شده بطور متوسط ۷۹ درصد حقوقی را که جوشکاران مرد کسب می کنند، دریافتی دارند. این میزان در اقتصادهای در حال توسعه حتی کمتر از ۷۵ درصد است. حتی در مشاغل ویژه زنان از قبیل پرستاری و معلمی، نا برابری جنسیتی دستمزد هنوز وجود دارد. به عنوان مثال در سنگاپور معلمان مرد اولین سطح آموزش، تقریباً شش درصد بیشتر از معلمان زن، مزد و پاداش دریافت می کنند و پرستاران مرد نیز ۲۱ درصد بیشتر از هم‌تایان خود.

بطور سنتی، برابری دستمزد در اقتصادهای گذار نسبت به اقتصادهای صنعتی شده و یا در حال توسعه بیشتر بوده است. این وضعیت امروز هم وجود دارد. برای مثال دستمزدهای کارگران جوشکار زن و معلمین زن در اقتصادهای گذار بطور عادلانه ای نزدیک به دستمزدهای مردان هست (۹۸ درصد میزان مردان) و پرستاران زن در حرفه مشابه حتی از هم‌تایان مرد نیز بیشتر دستمزد دریافت می کنند (۲ درصد بیشتر از دستمزد مردان).

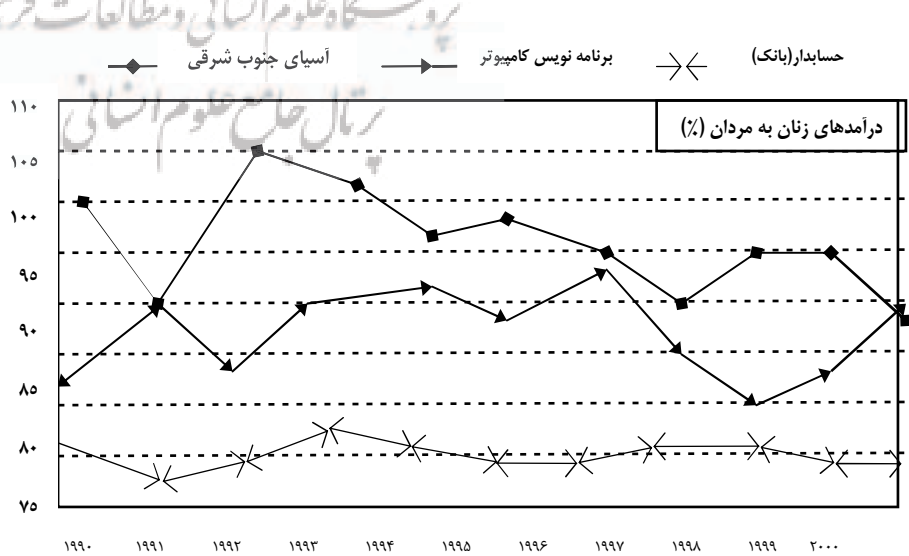
شخص ممکن است انتظار داشته باشد در حرفه های با سطح مهارت بالا که در آنها سطح آموزش و پرورش متقاضی باید احتمالاً هم‌تراز باشد دستمزدهای تقریباً برابری را کسب نماید

تفکیک جنسی مشاغل و حرفه ها به آهستگی در حال تغییر است. عقاید قالبی زنان از قبیل فرزند زایی، مطیع بودن، مواظبت از بچه و کار خانگی هنوز هم در حال تقویت شدن است. و اگر فرصتهای دوز پایه و پست بازار کار برای زنان تحت کنترل قرار نگیرد و آنها به سمت سرمایه گذاری جهت آموزش، پرورش و کسب تجربه هدایت نشوند این روند ممکن است برای نسل بعدی هم استمرار یابد.

### شاخص ۳: دستمزدها و درآمدها

آیا می توان برابری دستمزدها را تحقق بخشید؟ کوتاه سخن اینکه شواهد با این مطلب سازگار نیست. زنان معمولاً همه جا نسبت به مردان حقوق کمتری دریافت می کنند چرا که آنها اغلب سطح پایین نگه داشته می شوند و مشاغل با حقوق پایین در اختیار آنهاست. مروری بر داده های در دسترس شش گروه شغلی متنوع نشان می دهد که در بیشتر اقتصادها، زنان هنوز ۹۰ درصد مردان یا کمتر از آنچه که مردان همکارشان کسب می کنند، دریافتی دارند (۳-۴)<sup>(۹)</sup>. در مشاغلی که معمولاً تحت سلطه مردان هست از قبیل جوشکاری در کارگاههای فلز، نا برابریهای دستمزد حتی بیشتر است. جوشکاران زن در اقتصادهای

شکل (۳-۴): درآمدهای حرفه ای زنان به عنوان درصدی از درآمدهای مردان در ایالات متحده، ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۰



Source: ILO, Key Indicators of the Labour Market, 3<sup>rd</sup> Edition (Geneva, 2003) table ۱۶b

## به احتمال زیاد زنان، فقیران کاری موجود هستند.

این پیش فرض که در فرآیند توسعه اقتصادی - اجتماعی زنان بطور فزاینده ای وارد بخش مدرن می شوند ثابت شده که آنها اشتغال دستمزدی تمام وقت ندارند. دست کم برای حال حاضر افزایش در نرخهای مشارکت نیروی کار با استقلال در کیفیت شغل آنها سازگار نبوده و این شرایط کاری زنان است که به استقلال اقتصادی - اجتماعی حقیقی آنها منجر می شود.

نتیجتاً سهم زنانی که شاغل هستند اما هنوز قادر نیستند خود و خانواده شان را با درآمد روزانه ای در حدود یک دلار آمریکا اداره کنند و لذا زیر خط فقرند - و به اصطلاح فقیرکاری نامیده می شوند - نسبت به مردان بیشتر است. از تعداد کل ۵۵۰ میلیون فقیر کاری، برآورد شده حدود ۶۰ درصد یا ۳۳۰ میلیون نفرشان زن هستند<sup>(۹)</sup>. تنها اگر در آینده، ایجاد مشاغل شایسته برای زنان به نسبت مردان گسترش یابد این سهم می تواند کاهش یابد.

شواهد زیادی هست که توانایی زنان جهت بر خورداری کامل از حقوق انسانی - در واقع، حتی مطالبه این حقوق، بطور کامل با استقلال اقتصادی آنها پیوند دارد. توانایی جهت تصمیم گیری در مورد ازدواج، بچه آوری و جلوگیری از آبتنی که از جمله این موارد است، مستلزم حس و درکی از استقلال فردی و انسانی است که همزمان با این خودآگاهی، زنان در می یابند که می توانند برای خود و بچه هایشان تجهیز شوند.

حس و درک انسانیشان که بوسیله مادری و پرورش از طریق مشارکت در گروه های سازمان یافته بر انگیزته می شود بطور بنیادی به کسب درآمد معقول و شایسته آنها وابسته است. اعم از اینکه کار زنان از روی نیاز است یا اختیار باید برای دادن مشاغل شایسته به آنها متمرکز شد طوری که در یک دوره طولانی مدت آنها بتوانند با کار، خود و خانواده شان را از فقر برهانند. در عین حال، امکانات مواظبت و پرستاری از بچه شرط ضروری برای زنان است

تا قادر شوند کار کنند و بطور موثری استعداد خلاقشان را بکار گیرند.

### پانوشتها:

۱- این ادعا که ۶۰ درصد از کل فقرای کاری، زن هستند ناشی از این پیش فرض اساسی است که توزیع جنسی فقر دنیا، یک سوم مرد و دوسوم زن را شامل می شود.

برای مثال UNDP، گزارش توسعه انسانی ۱۹۹۵ را ببینید. در گزارش سال ۱۹۹۵ UNDP، این میزان در حقیقت ۷۰ درصد عنوان شده است. توجه به این نکته مهم است که این به اصطلاح «زن باوری فقر» هنوز بطور قطعی بوسیله داده ها اثبات نشده است و این فرض بدون مخالف نیست. همچنین زیر نویس ۵ را ببینید

### ۲- Millennium development goal.

۳- برای اطلاعات بیشتر نگاه کنید به سازمان بین المللی کار (ILO)، زنان و مردان در بخش غیر رسمی: یک تصویر آماری، جنووا، ۲۰۰۲، وب سایت:

<http://www.ilo.org/public/english/employment/infeco/download/menwomen.pdf>  
<http://www.ilo.org/infeco>.

همچنین وب سایت ILO در زمینه اقتصاد غیر رسمی در:

[Http://www.ilo.org/infeco](http://www.ilo.org/infeco).

۴- برای اطلاع از تعریف و اندازه گیری کار خانگی، بولتن آمارهای کار ILO را در سالهای ۱۹۹۲-۳ ببینید.

۵- <http://www.ilo.org/public/english/employment/infeco/epzs/epzs.pdf>

۶- برای اطلاعات بیشتر در مورد اشتغال و پیامدهای اجتماعی مناطق متکی بر صادرات، گزارش هیات دولتی سازمان بین المللی کار را با عنوان «اشتغال و سیاست اجتماعی درباره مناطق متکی بر صادرات (EPZs)» مشاهده نمایید. این گزارش در وب سایت زیر در دسترس می باشد:

[Http://www.ilo.org/public/english/standards/relm/gb/docs/gb۶/pdf-۳.pdf](http://www.ilo.org/public/english/standards/relm/gb/docs/gb۶/pdf-۳.pdf).

۷- در این قسمت، «دستمزدها» اشاره می کند نخست به دستمزدهای تعریف شده به عنوان «نرخهای مزد» برای زمان طبیعی کار، شامل: دستمزدها و حقوق های پایه، مقرریهای هزینه زندگی و دیگر مقرریهای پرداختی تضمین شده و منظم. درآمدها در کشورهایی بکار برده می شود که

داده ها و اطلاعات تنها در مورد درآمدها و نه دستمزدها در دسترس هست. درآمدها فراتر از نرخهای دستمزد گسترش می یابند از قبیل پادشاهی زمان غیر کاری از جمله برای مرخصی سالانه یا تعطیلات و عناصری از این قبیل که معمولاً بطور منظم دریافت می شوند. قبلاً هرگونه تصمیم گیری در مورد مالیاتها، سهم مستخدمین برای تامین اجتماعی و طرحهای حقوق بازنشستگی، حق بیمه زندگی، هزینه های واحد و هر تعهد کاری دیگر بوسیله کارفرما گرفته می شد. سازمان بین المللی کار «آمارها در مورد دستمزدها و ساعات کار حرفه ای و قیمت های غذا»: نتایج بررسیهای اکتبر: ۲۰۰۰ و ۲۰۰۱ (جنووا، ۲۰۰۲).

۸- برای مطالعه در مورد تفاوت جنسیتی در زمینه توانایی های گفتگو ببینید:

Linda Babcock, et al., "Nice girls don't ask", in Harvard Business Review, October ۲۰۰۲, p. ۱۴.

۹- محاسبه تعداد افرادی که فقیرکاری محسوب می شوند بر اساس آماری است که بوسیله بانک جهانی اعلام شده است. متأسفانه این ارقام به تفکیک مناطق نیست. با این وجود بسیاری از کارشناسان، نرخ فقر زنان را ۶۰ تا ۷۰ درصد فرض می کنند (پانویس ۱ را ببینید). در این اثر برای محاسبه فقر کاری زنان در دنیا از این نرخ استفاده شده است. برای جزئیات این محاسبه منبع زیر را ببینید.

کاسپوس، اس. «ارزیابی شرایط رشد کاهش فقر کاری: می توان فقر کاری دنیا را تا سال ۲۰۱۵ به نصف تقلیل داد.» مقاله اشتغال (جنوا، سازمان بین المللی کار، در دست انتشار).

